

مقاله پژوهشی

مربع نشانه‌شناسی و کاربرد آن در معناشناسی ساختاری قرآن

فهیمة مرادی^۱، محمدمهدی آجیلیان مافوق^{۲*}

۱- دانشجوی دکترا، بخش علوم قرآن و فقه، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

fmoradi133@yahoo.com

۲- استادیار بخش علوم قرآن و فقه، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

Majilian@shirazu.ac.ir

چکیده

نشانه - معناشناسی یکی از دانش‌های جدید در زبانشناسی نوین است که موجب تحول بنیادین در نشانه‌شناسی ساخت‌گرای قرن بیستم شده است. یکی از زبان‌شناسان محقق در این رشته به نام آلژیر گریماس الگوهای تکمیلی و نوینی برای تحلیل نشانه - معناشناسی گفتمان به دنیای معاصر وارد کرده است. الگوی مربع نشانه‌شناختی، اولین الگوی تحلیلی معرفی شده از گریماس در نشانه - معناشناسی گفتمانی است. در این مقاله با استفاده از داده‌های اطلاعاتی موجود، ضمن معرفی این الگو، میزان کاربرد مربع نشانه‌شناختی در تفسیر قرآن بررسی می‌شود. براساس نتایج به دست آمده، تشکیل مربع نشانه‌شناختی از طریق کشف روابط تقابلی در یک آیه یا یک سوره یا محتوایی از کل قرآن نه تنها امکان‌پذیر است، سبب ایجاد یک شبکه معنایی گسترده در معنایی موضوعی در قرآن می‌شود؛ ولی استفاده از این الگو برای دست‌یابی به لایه‌های عمیق‌تر معنایی و کشف دلالت‌های پنهان نص کافی نیست؛ زیرا عملکرد این الگو تنها آشکارکننده روابط تقابلی درون نص است و برای کشف لایه‌های عمیق‌تر معنا نیازمند ابزارهای دیگر تفسیر است؛ از جمله توجه به سیاق، دلالت‌یابی از طریق روایات، کمک‌گرفتن از آیات دیگر قرآن، بررسی روابط همنشینی و جانشینی در آیات.

واژگان کلیدی: نشانه‌شناسی، گریماس، نشانه - معناشناسی گفتمانی، مربع نشانه‌شناسی،

تفسیر نص

۱- بیان مسئله

سوئسی بنیان‌گذارده است. او زبان را نظامی متشکل از نشانه‌های زبانی معرفی کرد که در آن «دال»، تصور صوتی نشانه زبانی و مدلول، تصور معنایی آن است» (چندلر، ۱۳۸۷ش، صص ۴۲-۴۴). با گذر از دیدگاه ساخت‌گرایان،

نظریه ساختارگرایی در زبانشناسی قرن بیستم موجب پیدایش دانش نشانه‌شناسی (Semiotics) شد که فردیناند دو سوسور (1913-1857) (F.D.Saussure)، زبان‌شناس

می‌پردازد. همچنین درصدد است تا میزان بهره‌وری مربع نشانه‌شناختی در تفسیر قرآن را تبیین کند.

۱-۱- پیشینه پژوهش

کاربرد الگوی مربع نشانه‌شناختی کمابیش به دست معاصرین تحلیل‌گر متون پارسی فعلیت پیدا کرده است و میزان بهره‌وری آن در مقالاتی چند به دست محققین دانش‌پژوه، بررسی و نیز انتقادهایی از آن شده است. مقالات موجود در این میدان پژوهشی شامل موارد ذیل‌اند:

- مسعود آگونه جونتقانی در «پژوهشی در باب توان تحلیلی مربع نشانه‌شناختی در خوانش شعر»، طی بررسی موردی غزلی از مولوی، عطار و حافظ، الگویی خواننده‌محور در شناسایی و طبقه‌بندی مؤلفه‌های معناشناختی در راستای فهم شعر ارائه می‌دهد.

- در مقاله «رویکرد نشانه - معناشناختی فرایند تبدیل مربع معنایی به مربع تنشی در حکایت دقوقی مثنوی» با همکاری عصمت اسماعیلی، حمیدرضا شعیری، ابراهیم کنعانی، ضمن تبیین ویژگی‌های نشانه - معناشناختی «داستان دقوقی» از مثنوی، فرآیند گذر از مربع معنایی به مربع تنشی و نحوه شکل‌گیری فرآیند تنشی در این داستان، بررسی و تحلیل می‌شود تا نشان دهد چگونه فرآیند تنشی، شرایط گفتمانی را تغییر می‌دهد و منجر به تولید معناهای سیال می‌شود.

- «عبور از مربع معنایی به مربع تنشی: بررسی نشانه - معناشناختی ماهی سیاه کوچولو»، نوشته عباسی و یارمند؛ این نوشته تحلیلی نشانه - معناشناختی از یک داستان براساس الگوی مطالعاتی گفتمانی گریماس است. او برای یافتن عناصر اصلی و دخیل در تولید معنا در داستان و همچنین در پی بررسی ویژگی‌های روایی از داستان است که منجر

در مکتب زبان‌شناسی پاریس بحث معناشناسی در زبان‌شناسی نوین در مقیاسی وسیع‌تر، به‌جای تمرکز بر نشانه، بر متن متمرکز شد و با ورود به این مرحله، رابطه مفسر یا خواننده با متن و نقش مفسر در کشف معنای متن به‌عنوان مجموعه‌ای سامان‌یافته از نشانه‌ها تعریف شد. از آن پس در پاسخ به نیاز مفسر در بازیابی معانی متن، علم معناشناسی (semiotic) شکل گرفت که راهی برای تجزیه و تحلیل متن در جهت دستیابی به معنا است و از ترکیب نشانه‌شناسی و معناشناسی، رویکرد جدیدی به‌نام نشانه - معناشناسی به عرصه زبان‌شناسی وارد شد. در رویکرد جدید، نقش مفسر به‌عنوان عامل مهم در فعلیت‌بخشی به متن، تبدیل به یکی از مسائل مهم نشانه - معناشناسی شده است. در ادامه همین فرایند، نشانه - معناشناسی گفتمانی شکل گرفت که نشانه‌ها را به قصد کشف معنا بررسی می‌کند. در این رویداد مجموعه نشانه‌های یک متن در روند تولید و توسعه معنا استفاده می‌شوند (شعیری، ۱۳۹۰ش، ص ۱۱۳).

نشانه - معناشناسی در سال‌های اخیر الگوهای متعددی در تجزیه و تحلیل معنایی متن ارائه داده است؛ مانند: روابط تقابلی معنایی یا ساختار جانیشینی (تحلیل هم‌زمانی)، رابطه میان تسلسل عناصر یا ساختار هم‌نشینی (تحلیل درزمانی) (آسابرگر، ۱۳۸۷ش، ص ۳۱). نشانه معناشناسی گفتمانی نیز الگوهای مهمی را برای تجزیه و تحلیل معنا ابداع کرده است؛ از جمله: الگوی تحلیل گفتمان پراپ (برتس، ۱۳۸۷، ص ۴۹)، الگوی کنشی روایت‌شناسی گریماس (اسکولز، ۱۳۸۳ش، ص ۱۴۷) و ...

یکی از این الگوهای مهم در یافتن لایه‌های معنایی متن، مربع نشانه‌شناسی است که گریماس (۱۹۱۷-۱۹۹۲) (A.J. Greimas) از بنیان‌گذاران مکتب نشانه - معناشناسی پاریس (پاکتچی، ص ۱۰۹) ابداع کرده است. این مقاله به نحوه عملکرد این الگوی تحلیل متن و بررسی امکان‌پذیری تحلیل و تفسیر قرآن با استفاده از آن

قمی؛ این مقاله با برجسته‌سازی مواضع پنهان در متن سوره قیامت براساس ساختار زیربنایی گفتمان و الگوی مربع نشانه‌شناسی، به معرفی لایه‌های متعدد متن و معنایابی مراتب نفس پرداخته است. همچنین، تلاشی در تحلیل آیاتی از سوره قیامت بر مبنای نظام گفتمان روایی و نیز پدیدارشناسی زیبایی‌شناختی آن داشته است؛ به این ترتیب تأثیر سه الگوی نشانه‌شناسی را در نظام معنایی سوره قیامت بررسی کرده است.

- «نشانه معناشناسی ساختار روایی داستان "و ما تشاؤون" براساس الگوی مطالعاتی گریماس»، کار مشترکی از پروینی و رضایی است. این مقاله به بررسی شرایط تولید و دریافت معنا در نظام گفتمانی روایی داستان «وما تشاؤون» می‌پردازد. هدف این نوشتار، واکاوی فرایند نشانه معناشناسی داستان مذکور براساس الگوی مطالعاتی گفتمانی گریماس است تا نشان دهد چگونه کنش و شوش باعث شکل‌گیری گفتمان «و ما تشاؤون» شده و انواع نظام‌های هوشمند و احساسی و رخدادی را به وجود آورده است.

صرف نظر از مقالات تحلیلی که میزان بهره‌وری از الگوی مربع نشانه‌شناسی گریماس را در حوزه متون پارسی بررسی می‌کند، تعداد اندک پژوهش‌های نشانه - معناشناسی که بر مبنای الگوی مربع گریماسی در مطالعات قرآنی انجام شده، حاکی از آن است که کاربرد نشانه - معناشناسی در معنایابی تحلیلی قرآن، فرایندی نوپا و نیازمند پختگی بیشتر است. در نخستین مقاله معرفی شده در این بخش، سیر معنایابی تک کلمات قرآنی از طریق مربع معناشناسی دنبال شده است. در قسمت نخست مقاله دوم به رویکرد شناسایی تقابل‌ها در آیه نمونه پرداخته شده که اساس کار مربع نشانه‌شناسی است؛ اما گویا هدف نویسندگان نشان‌دادن کاربست این تقابل‌ها در الگوی مربع نشانه‌شناسی و معنایابی بیشتر از طریق این الگو نبوده است؛

به عبور روایت از خود و شکست حصر روایی و ایجاد تکثر روایی می‌شود.

- «عبور از مربع معنایی گریماس و صعود با نردبان معنایی» از فاطمه ثواب و محمدعلی محمودی. در این مقاله، الگوی نردبان معنایی به معنای ایجاد مربع‌های متوالی برای رفع مشکل ساختار مکانیکی و منجمد مربع معنایی در تحلیل متون و ایجاد پویایی و سیالیت در تولید معنای روایات از معنای اولیه تا معنای نهایی معرفی شده است.

هم‌زمان یا با اندکی تأخیر، از الگوی مربع گریماس در تفسیر کلمات و آیات قرآن به صورت موردی استفاده شده است:

- «پی‌جویی ترجمه واژه "بیان" در آیه "عَلَّمَهُ الْبَيَانَ" با بهره‌گیری از مربع معناشناسی گریماس»، مقاله‌ای از آزاده عباسی است که سعی شده با استفاده از روابط تقابلی در مربع معناشناسی به پی‌گیری معنایابی صحیح واژه «بیان» پردازد و در نتیجه، نشان دهد کاربرد مربع معناشناسی در دستیابی به معنای دقیق‌تر کلمات قرآنی راه‌گشاست.

- «اشتدادپذیری (علم) در پرتو نشانه‌شناسی (قوم یعلمون) در سوره فصلت (بر مبنای نشانه‌شناختی گریماس)»، پژوهشی از حبیبه قیصری و عبدالهادی فقهی‌زاده است. نویسندگان این پژوهش با استفاده از الگوی ساختار زیربنایی گفتمان به شناسایی تقابل‌ها و تعامل‌های «قوم یعلمون» در این سوره پرداخته‌اند و در بخش دیگر با استفاده از نظریه روایت‌شناسی گریماس، به شیوه روایت‌گونه و با برجسته‌ساختن عناصر اصلی مرتبط، تأثیر و تأثر تعامل‌های مربوط به این گروه خاص بر یکدیگر را توضیح می‌دهند.

- «بررسی نشانه - معناشناسی آیات مربوط به قیامت و معاد از سوره قیامت بر پایه مطالعات نشانه‌شناختی گریماس»، تألیف حق بین و بیدادیان

بلکه در پی آن و در بخش دوم به هدف دیگری پرداخته که استفاده از الگوهای گفتمانی گریماس در تحلیل آیات سوره است. مقاله سوم از طریق بازپروری معنایی متن سوره مدنظر و بازسازی روابط مفهومی در الگوی مربع نشانه‌شناسی سعی در بازگشایی لایه‌های عمقی متن و ارائه مفاهیم اصولی و کاربردی از متن داشته است.

فضای غالب این تحقیقات، چنانچه مشاهده می‌شود، معنایابی کلمه در آیه یا مفهوم‌یابی در آیات یک سوره و ایجاد مربع نشانه‌شناسی براساس روابط تقابلی درون همان آیه یا روابط تقابلی درون آیات یک سوره است؛ درحالی‌که روابط زوجی تقابلی بین عناصر مفهومی در یک آیه پدیده‌ای معناشناختی است که تنها در برخی آیات موجود است و تمام آیات قرآن را پوشش نمی‌دهد. همچنین، روابط تقابلی در سوره قرآن، اگرچه در برخی سوره‌ها شایع است، چنین نیست که در تمام سوره بتوان با استفاده از این روابط، مربع نشانه‌شناسی را تشکیل داد و لایه‌های معنایی مضاعف را به ظهور رساند؛ از این رو، امکان استفاده از این الگو در تحلیل آیات و سوری که روابط تقابلی به‌طور کامل در آنها شکل نگرفته است یا روابط تقابلی موجود، انکشاف لایه‌های عمقی‌تر معنای متن را کفایت نمی‌کند، در پرده‌ای از ابهام است.

پژوهش حاضر بر آن است تا نخست، توان تحلیلی این الگو را در بازه تحلیلی آیه، سوره و کل قرآن بررسی کند و سپس امکان به‌کارگیری هم‌زمان روابط تقابلی، زوجی و مربعی در سطح آیه، سوره و کل آیات را برای تشکیل مربع نشانه‌شناسی تحلیل کند. به عبارت دیگر، این پژوهش، حداکثر امکان بهره‌وری از مربع نشانه‌شناسی در معناشناسی ساختاری قرآن را تحلیل می‌کند.

۲-۱- سؤال پژوهش

سؤال محوری در پژوهش حاضر این است که آیا می‌توان زمانی که در یک آیه روابط تقابلی مورد نیاز مربع نشانه‌شناسی موجود نیست، از سیاق سوره مواردی را

انتخاب یا روابط تقابلی ناکافی در معناشناسی یک سوره را در کل قرآن تفحص کرد و در عین حال، پاسخ‌های صحیح و کافی برای سؤالات لازم در فهم و تفسیر متن به دست آورد و از این طریق، به محدوده کشف مراد الهی و بازگشایی لایه‌های عمقی‌تر معنا دست پیدا کرد.

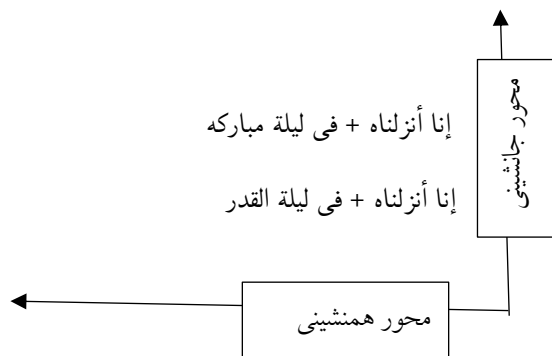
اگرچه پاسخ به این سؤال از منظر برخی روش‌های تفسیری، از جمله روش تفسیر قرآن به قرآن، در ابتدا مثبت است، بررسی روشمند موضوع از طریق به‌کارگیری روابط تقابلی، زوجی و تشکیل مربع نشانه‌شناسی، هم در بازگشایی لایه‌های عمیق‌تر معنا در کشف مراد الهی مؤثر است و هم در مستندسازی و توسعه میزان بهره‌گیری از برخی قواعد تفسیری مانند قاعده سیاق آیه، سیاق آیات، سیاق سوره و سیاق کل قرآن فایده‌مند است.

۲-۲- نشانه - معناشناسی ساخت‌گرا

نخستین تعریف نشانه در نشانه‌شناسی ساخت‌گرا مربوط به فردینان دوسوسور فرانسوی (۱۸۵۷-۱۹۱۳) (F.D.Saussure) است که نشانه را شامل دو بعد دال و مدلول دانست؛ اما به تعریف رابطه‌ی تعاملی دو سطح بیان و محتوا به جای دال و مدلول که یلمزلف (۱۸۹۹-۱۹۶۵) (Hjelmslev) دانمارکی انجام داد، به دلیل حضور عامل انسانی به‌عنوان بعد سوم مؤثر در معنا توجه بیشتری شد؛ زیرا موجب رابطه‌ی سیال در نظام نشانه‌ای شد (شعیری و وفاپی، ۱۳۸۸ش، ص ۲). کشف این ویژگی، مبین خصوصیت زایایی در نشانه بود (سجودی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۹). این ویژگی زایایی نشانه‌ها، معناشناسی سیال نامیده شد (شعیری، ۱۳۹۰ش، ص ۷). بر همین اساس، آلژیر گریماس لیتوانیایی (۱۹۱۷-۱۹۹۲) (A. J. Greimas) روشی ساختارمند به نام «نشانه - معناشناسی زایا» ارائه کرد. در روش او، نشانه موضوعیت نداشت؛ بلکه برای تحلیل متن، تمرکز از نشانه به سوی روابط ساختاری متن برگردانده می‌شود که تولید معنا می‌کند (بابک معین، ۱۳۸۳، ص ۱۱۶). در نظریه معناشناسی، متن یا کلام

روابط کاربردشناختی تأثیر می‌گذارند و می‌توانند منجر به زایش متن و فهم هرچه بیشتر معنا شوند.

- روابط همنشینی از ترکیب نشانه‌ها برای ایجاد جملات شکل می‌گیرند؛ اما هنگامی که برخی نشانه‌ها جانشین برخی دیگر می‌شوند، روابط جانشینی شکل می‌گیرند. در نشانه‌شناسی، روابط همنشینی در محور افقی و روابط جانشینی در محور عمودی قرار داده می‌شوند (قائم‌نیا، ۱۳۹۳، صص ۲۲۳-۲۲۴). استفاده کاربردی از این محورها در تفسیر قرآن به قرآن درخور تأمل است. نحوه کاربرد زمانی است که مطلبی در آیه‌ای به صورت اجمال ذکر شود و در آیه دیگر تفصیل آن بیان شود؛ البته صحت عملکرد محور جانشینی مستلزم این است که اصل وجود تناسب لفظی و معنوی میان دو آیه رعایت شود؛ در غیر این صورت، معناهای نادرست به دست خواهد آمد؛ برای مثال، در آیه: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبَارَكَةِ» (دخان: ۳) عبارت «فی لیلۃ مبارکۃ» در همنشینی با «انا انزلناه» است و این معنا را نشان می‌دهد که قرآن در شب مبارکی نازل شده است؛ اما وقتی آیه: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (قدر: ۱) در محور جانشینی با آیه قبل قرار داده شود، این مفهوم حاصل می‌شود که آن شب مبارک نزول قرآن، شب قدر است. در این دو آیه ارتباط لفظی و معنوی برقرار است.



به صورت مجموعه معناداری در نظر گرفته می‌شود که خواننده به دنبال مطالعه و درک آن است. معناشناسی برای دستیابی به مفاهیم چنین مجموعه‌های معناداری، ابعاد یا سطوح گوناگونی را برای متن متصور است (شعیری، ۱۳۹۰ش، ص ۴)؛ به همین دلیل یکی از مهم‌ترین اهداف نشانه - معناشناسی ساخت‌گرا این است که با ارائه روش‌هایی بتواند هر نوع متن یا کلام را تجزیه و تحلیل گفتمانی کند و به لایه‌های درونی متن و ژرف‌ساخت معنا دست یابد و بدین ترتیب به توصیف پدیده‌های زبانی در چارچوب یک نظام بدون هر پیش‌انگاری بپردازد (صفوی، ۱۳۹۳ش، ص ۲۰). این روش‌ها معمولاً متن را به روش استقرایی و از جزء به کل تجزیه و تحلیل می‌کند که منجر به قطعه‌قطعه شدن متن می‌شود و پس از بررسی معناشناسی این قطعات، مجدداً برای دستیابی به یک کل معنایی به هم متصل می‌شوند.

۱-۲- ابزار تحلیل نص در معناشناسی ساخت‌گرا

هدف اصلی در معناشناسی، فهم صحیح متن است و خواننده یا مفسر به عنوان محور اصلی این فهم باید به منطق درونی متن (هدف از روابط بین لغت، معنا و روابط نحوی) دست یابد؛ زیرا کشف روابط منطقی نشانه‌های درون متنی، موجب تحلیل‌های قوی‌تر از مفاهیم متن است. مقوله فهم در قرآن را می‌توان با اصطلاح نطق بیان کرد. فهم خاص متن، از طریق استنتاج و پرسشگری مفسر از متن به دست می‌آید. در این صورت، تمرکز در فهم معانی متن، از سطح ظاهری می‌گذرد و به کشف روابط درون متنی متمرکز می‌شود. از نقطه نظر زبان‌شناسی این سطح از فهم، یعنی فهم عمیق‌تر از طریق ورود به لایه‌های عمقی متن و دستیابی به دلالت‌های پنهان آن تفسیر نامیده می‌شود و برای دستیابی به آن استفاده از ابزارهای مختلف معنایی ضروری است. در معناشناسی ساخت‌گرا ایجاد محورهای جانشینی و همنشینی و کشف روابط تقابلی در

بلند آن سر، که او خواهد بلندش / نژند آن دل، که او خواهد نژندش (وحشی بافقی، ۱۳۹۳ش، فرهاد و شیرین) در آیه فوق با در نظر گرفتن تقابل معانی بخشیدن ملک و خلع مالکیت از ملک، گستره قدرت الهی آشکار می‌شود. عزت بخشی یا خوارکردن نیز دو سر بازه توانایی الهی را از هر سو به بی‌نهایت پیوند می‌زند و این احاطه کامل و مطلق بودن قدرت الهی در پیام بخش انتهایی آیه: «إِنك على كل شيء قدير» مشخص می‌شود.

۳- نشانه - معناشناسی گفتمانی

گریماس با مطالعه ترکیبات نشانه‌ها و بررسی ارتباط بین آنها با توجه به بعد انسانی، نشانه‌شناسی ساختارگرا را به نشانه‌شناسی گفتمانی تبدیل کرد (شعیری، ۱۳۹۰ش، ص ۴۳). واژه گفتمان (discourse) به لحاظ نشانه‌شناختی به سطح گفتمانی معنا اشاره دارد که در تقابل با سطح روایی قرار می‌گیرد و از طریق تعامل میان دو بعد زمان شکل می‌گیرد: ۱- بعد صوری (مربوط به بازنمایی جهان خارج)؛ ۲- بعد محتوایی (مربوط به ارزش‌های انتزاعی) که در این معنا تمام نموده‌های زبانی را می‌توان گفتمان دانست (عمارتی مقدم، ۱۳۹۸ش، ص ۱۶۳). در رویکرد نشانه - معناشناسی گفتمانی نشانه‌ها براساس ارتباطات موجود با یکدیگر جستجو می‌شوند و همین فرایند موجب تولید معنا و زایش متن می‌شود. در نشانه‌شناسی گفتمانی، ابزار متعددی برای تحلیل گفتمان متن به کار برده می‌شود که همه آنها در سیال بودن نشانه - معناها، مشترک‌اند. از آنجا که امکان بررسی روند سیالیت معنا و ابعاد محتوایی متون صرفاً از طریق روابط تقابلی و جانشینی امکان‌پذیر نیست، گریماس ضمن اصلاح و تکمیل مدل زبان‌شناسان قبلی، الگوهای جدیدی در مفهوم‌یابی سطح روایی مطرح کرد. یکی از الگوهای مهم پیشنهادی وی مربع نشانه‌شناسی است.

۳-۱- الگوی مربع نشانه‌شناسی گریماس

- از نظر نشانه‌شناسی ساختارگرا ابتدایی‌ترین ساختار معنایی از درک تقابل‌های معنایی به وجود می‌آید که زیربنای ساختار بنیادی دلالت است و گریماس آن را ساختار بنیادین گفتمان می‌داند (سجودی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۱۵). بنابر این تعریف، رویکرد اصلی معناشناسی از طریق آنچه معنای کلام بر آن دلالت نمی‌کند، شکل می‌گیرد؛ از این رو، اولین اقدام در نشانه‌شناسی یافتن واژه‌ها و عبارات متقابل و پردازش معنا از طریق رویارویی و مواجهه تقابل‌ها با یکدیگر است؛ برای مثال، زندگی با آنچه زندگی نیست، یعنی مرگ، معنا پیدا می‌کند؛ همچنین، مفهوم سیاهی با سپیدی و مفهوم جوانی با پیری درک‌شدنی است.

- با قرارگرفتن تقابل‌های معنایی در درون روابط جانشینی و همنشینی، سطح تعیین معنا از طریق گسترش شبکه‌ای از روابط معنایی افزایش می‌یابد. در قرآن نیز این نمونه تقابل‌ها برای فهم بیشتر به کار رفته است؛ برای مثال، در آیه: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ...» (آل عمران: ۲۶) تقابل معنایی بین عطای ملک و خلع آن در آیه فوق موجود است:

تؤتی الملک من تشاء ← تنزع الملک ممن تشاء

چنانکه بیت زیر نیز همان معنا را افاده می‌کند:

یکی را همی تاج شاهی دهد / یکی را به دریا به ماهی

دهد (فردوسی، ۱۳۸۸ش، بخش ۷۵)

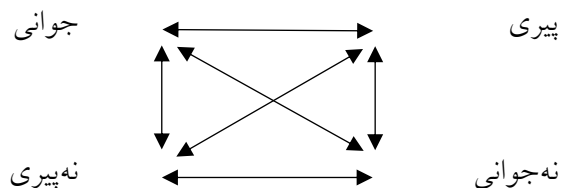
همچنین است تقابل معنایی در «تَعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تَذَلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (آل عمران: ۲۶) که دو عبارت عزت بخشی و ذلیل گردانی خداوند نسبت به هرکس که بخواهد و اراده‌اش قرار گیرد، به شکل زیر آمده است:

تعز به من تشاء → تذل به من تشاء

در بیت زیر مشهود است:

۴. کاربرد مربع نشانه‌شناسی گریماس در تفسیر نص

روابط در مربع نشانه‌شناسی از چهار قطب اصلی تشکیل شده است که آن‌ها به چهار گوشه از یک مربع تشبیه می‌شوند. دو قطب تشکیل‌دهنده مقوله اصلی، یعنی گروه متضادها در قسمت بالای مربع قرار می‌گیرند. با منفی کردن هر یک از متضادها، دو قطب پایینی مربع شکل می‌گیرد که گروه نقض متضادها نامیده می‌شوند؛ برای مثال، برای دو مقوله جوانی و پیری که متضادند، دو نقیض وجود دارد: نه جوانی و نه پیری. از مجموع این چهار حالت، سه نوع ارتباط حاصل می‌شود: الف) ارتباط تقابلی تضادی (Relation de contrariété) که از تقابلی جوانی و پیری با تشکیل محور متضادها به وجود می‌آید؛ یعنی بین دو قطب بالایی؛ ب) ارتباط تقابلی تناقضی (Relation de complémentarité) که از تقابلی نقیض متضادها بین دو قطب پایینی ایجاد می‌شود که در مثال مدنظر، شامل نه جوانی و نه پیری می‌شود؛ ج) ارتباط تقابلی تکمیلی (Relation de contradiction) که بین نفی متضادها و واژه‌های مثبت برقرار می‌شود و بین اقطابی که در محور مورب یا قطر مربع واقع می‌شوند، به وجود می‌آید که در مثال فوق به صورت نه جوانی و پیری یا نه پیری و جوانی بیان‌شدنی است.



براساس این سه ارتباط، سه محور متضادها، متناقض‌ها و مکمل‌ها شکل می‌گیرند. گفتنی است این فرآیند از طریق رابطه سلبی و ایجابی نیز دنبال می‌شود (شعیری و وفایی، ۱۳۸۸ش، صص ۲۹-۱۲۶)؛ یعنی رابطه پیری با نفی مقوله جوانی تأیید می‌شود و جوانی در واقع همان نفی پیری را تأیید می‌کند. از رابطه سلبی بین دو مقوله جوانی و پیری

مربع نشانه‌شناسی گریماس حاصل بسط منطقی تقابلی‌های دوگانی است. به نظر او، شکل‌گیری مقولات معنایی از روابط عمومی ابتدایی نشأت می‌گیرد و مربع نشانه‌شناسی با توسعه منطقی تقابلی‌های دوگانه اولیه می‌تواند ساختار اولیه دلالت را نشان دهد (تأدیبه، ۱۳۷۸ش، صص ۲۵۳). کاربرد این مربع در سه گام صورت می‌گیرد: در گام نخست مفسر رابطه تقابلی معنایی را در نص کشف می‌کند؛ یعنی دو مفهوم متقابل را در نص می‌یابد. در گام دوم یک یا چند ویژگی از ویژگی‌های معنایی یکی از اطراف تقابلی را با توجه به روابط هم‌نشینی در نص کشف می‌کند و در مرحله آخر، مفسر از راه تطبیق آن ویژگی‌ها، رؤس مربع نشانه‌شناختی را تکمیل می‌کند (همان، صص ۲۳۷). این طرح به‌عنوان ابزاری تحلیلی در معناشناسی ساختارگرا مطرح شد.

۲-۳- تأثیر مربع نشانه‌شناسی در زایش درونی نص

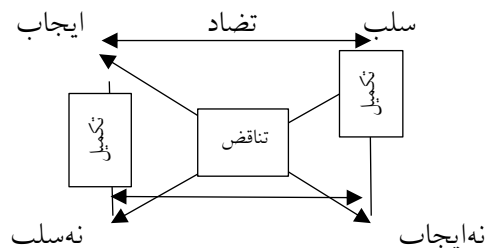
در این الگوی معنایی، معنا به صورت مجموعه‌ای از تقابلی‌ها و استلزامات معنایی نشان داده می‌شود که به صورتی قاعده‌مند با هم ترکیب می‌شوند و مقولات معنایی گسترده‌تری را پدید می‌آورند (کالر، ۱۳۸۸ش، صص ۱۱۵). در این مربع، ساختار ابتدایی دلالت و نحوه انتقال از دلالتی به دلالت دیگر تبیین‌پذیر است. ایجاد تصویر مقوله معنایی (شامل دو اصطلاح متقابل با اشتراک مفهومی زیربنایی) از ویژگی‌های مختص به این الگوست که موجب آشکار شدن روابط پویا و سیال معنا می‌شود (قائمی‌نیا، ۱۳۹۳ش، صص ۲۳۵). مربع گریماس تبیین کامل‌تری از زوج‌های متقابل دست می‌دهد؛ زیرا می‌تواند مؤلفه‌های معنایی را به شیوه‌ای قاعده‌مند با هم، ترکیب و تأثیرات معنایی گسترده‌تری را ایجاد کند. همچنین، با افزایش مقدار مؤلفه‌ها می‌توان بر توان تحلیل متن بیفزاید.

نور»، اثر مصطفی خرم‌دل، واژه‌های تقابلی قرآن گردآوری شده‌اند که برخی از آن جفت واژه‌ها در یک آیه جای گرفته‌اند و می‌توان با بهره‌گیری از آنها به یافتن آیاتی دست یافت که دارای عبارات متقابل باشند. در اینجا به بررسی تحلیلی یکی از آیاتی پرداخته می‌شود که مفاهیم متقابل در آن موجود است:

«إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ ۖ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ ۗ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (آل عمران: ۱۶۰)

دو عبارت متقابل «إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ» و «إِنْ يَخْذُلْكُمْ» در عبارات آیه وجود دارد. نصرت و خذلان دو واژه مخالف و متضاد هم‌اند. پس می‌توانند در دو رأس متقابل بالایی مربع قرار گیرند. اکنون باید دید آیه با این دو مفهوم متقابل در حال القاء چه معنایی به مخاطب خود است یا به عبارتی از تقابل این دو عبارت چه نتیجه‌ای به اشتراک گذارده می‌شود. در پاسخ به این دو شرط یاری و عدم یاری الهی دو عبارت دیگر در آیه وجود دارد: «لَا غَالِبَ لَكُمْ» یعنی کسی را که خدا یاری‌اش کند، هیچ‌کس بر او غلبه نتواند کرد و این به معنای غلبه مطلق است، در تقابل با «مَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ» یعنی کسی را که خدا یاری‌اش نکند، یاری هیچ‌کس برای او سودی ندارد و نتیجه‌اش عدم نصرت مطلق است؛ بنابراین، در این آیه هر چهار مؤلفه مورد نیاز برای تشکیل مربع در خود آیه حضور دارند. چنانچه این دو دسته عبارت تقابلی در مربع معناشناسی قرار داده شوند، سیر تولید معنا به وجود می‌آید:

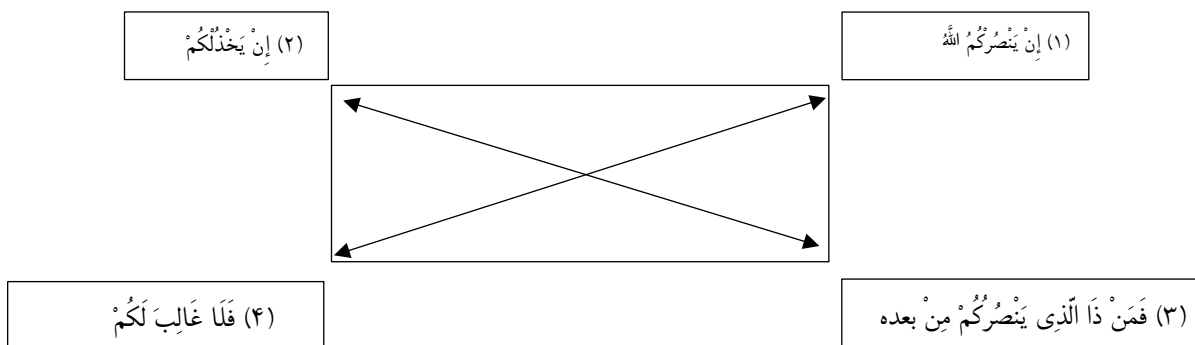
رابطه ایجابی جوانی و پیری شکل می‌گیرد که همان متضاد تأیید شده است. این رابطه در طرح‌واره زیر نشان داده شده است:



بدین ترتیب، در مربع نشانه‌شناختی از درون دو عنصر حاضر، شش رابطه تقابلی صورت‌بندی می‌شوند. سپس با کاربست ابزار تحلیلی درون و برون‌متنی به گسترش سطح دلالت‌یابی متن پرداخته می‌شود. همچنین، مربع معنایی به‌عنوان ابزاری برای تحلیل مفاهیم و حتی واحدهای بزرگ‌تر معنا مانند جملات، پاراگراف‌ها و حتی کل متن به کار برده می‌شود.

۴-۱. تشکیل مربع نشانه‌شناختی از طریق محتوای آیه

برای بررسی میزان کاربرد مربع نشانه‌شناختی در تحلیل نص، با توجه به کاربست آن که ایجاد معنا از طریق ترکیب روابط تقابلی است، باید در متن قرآن به جستجوی آیاتی پرداخت که در آنها عبارات متقابل وجود داشته باشد. از آنجا که تعداد درخور توجهی از آموزه‌های قرآنی از طریق به قیاس کشاندن مفاهیم متقابل برجسته‌سازی شده‌اند، بررسی متن قرآن، همواره ما را به چنین عباراتی رهنمون خواهد نمود. همچنین، در برخی تفاسیر، همانند «تفسیر



مختلف و متقابل در ارتباطات دو قطب مخالف نصرت الهی و خذلان الهی بررسی شد؛ اما هنوز سؤالات دیگری از متن باقی مانده‌اند که پاسخ آنها در لایه‌های عمقی‌تر معنا پنهان است؛ از جمله:

سؤال اول: نصرت الهی و خذلان الهی چیست؟

سؤال دوم: یاری‌شدن خداوند از سوی بنده چگونه است؟

سؤال سوم: آیا خداوند که قادر مطلق است نیاز به یاری بنده خویش دارد؟

سؤال چهارم: یاری یا خذلان خداوند کی و چگونه به بنده‌اش می‌رسد؟

پاسخ این سؤالات از طریق مربع مدنظر قابل دستیابی به نظر نمی‌رسد؛ بلکه برای پاسخ‌گویی به این سؤالات وجود فرایندهای تکمیلی دیگری برای دلالت‌یابی بیشتر ضروری است. روابط درون و برون‌متنی که از جایگاه ویژه‌ای در تحلیل نص برخوردارند؛ از جمله روابط همنشینی (در یک آیه) و جانشینی (در آیات دیگر) می‌توانند در فرایند فعلیت‌بخشی به دلالت‌های پنهان نص یاری‌گر باشند. در آیه فوق می‌توان هم‌زمان از رابطه جانشینی آیات با مؤلفه‌های انطباق‌پذیر در مربع یاری جست. نخست باید آیاتی یافت شوند که می‌توانند برای دلالت‌یابی دو مؤلفه متضاد در رابطه اول مربع قرار بگیرند. در رابطه جایگزینی معمولاً باید عبارت‌هایی در نظر گرفته شوند که از نظر محتوایی دارای مشترک لفظی و معنوی با عبارت یا کلمه مدنظر در مربع باشد. در صورتی که روابط همنشینی و جانشینی در کشف معنا کارساز نباشد، می‌توان برای کشف مراد الهی از لایه‌های عمقی‌تر معنا از ابزار دیگر در تحلیل نص مانند استفاده از سیاق، روایات و تفسیر استدلالی بهره جست. در آیه مدنظر برای دسترسی به معنای بیشتر، نیازمند بهره‌جویی از تمام ابزارهای تحلیل نص است.

پاسخ سؤال اول:

روابط تعریف‌شده درباره عبارت‌ها در مربع نشانه‌شناسی در آیه بالا:

• روابط تقابلی روبه‌رو در متضادها و نقیض متضادها
رابطه اول (۱ و ۲) = رابطه متضادها: نصرت الهی و خذلان الهی در تقابل تضادی با یکدیگرند و در دو گوشه بالای مربع قرار می‌گیرند. این دو نوع برخورد قرار است نصیب دو دسته از انسان‌ها شود.

رابطه دوم (۳ و ۴) = نقیض متضادها: عدم یاری مطلق و عدم غلبه مطلق به‌عنوان دو متضاد نقیض در دو گوشه پایینی مربع واقع می‌شوند. نتیجه اینکه قطعاً عدم یاری شدن توسط یاری مطلق الهی، عدم غلبه در امور را به دنبال خواهد داشت.

• روابط تکمیل‌کننده عمودی بین واژه مثبت و منفی متضادها معناهای جدیدی ارائه می‌دهند:

رابطه سوم (۱ و ۳) = رابطه تکمیلی است که رابطه عبارت مثبت (۱) و نفی عبارت (۳) است. اگر خداوند یاری‌تان کند و «نه» (به اینکه) دیگر هیچ‌کس یاری‌تان نکند؛ یعنی اگر یاری خدا باشد و دیگر هیچ‌کس یاری‌گرتان نباشد، اهمیتی ندارد.

رابطه چهارم (۲ و ۴) = رابطه تکمیلی است که رابطه عبارت مثبت (۲) و نفی عبارت (۴) است: خذلان الهی و «نه» هیچ‌کس بر شما غلبه نمی‌کند؛ یعنی اگر خذلان الهی روی دهد، این‌طور نیست که هیچ‌کس بر شما غلبه نمی‌کند، پس حتماً مغلوب خواهید شد، حتی اگر به ظاهر پیروزی‌های کوچکی اتفاق بیفتد، درنهایت نتیجه شکست کلی است.

• روابط مورب در دو قطب مربع معنایی صریح‌ترین نتیجه کلی را به خواننده می‌رساند:

رابطه پنجم (۱ و ۴) = غلبه مطلق برای کسی است که مورد نصرت الهی واقع شود.

رابطه ششم (۲ و ۳) = کسی که خداوند یاری‌اش نکند، مطلقاً پیروز نخواهد شد.

تا این مرحله، روابط متقابلی وجود داشتند که در مربع معناشناسی به نمایش گذاشته شد. در آیه مدنظر وجوه

۱- رابطه جانشینی: «إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ → فَلَ غَالِبٌ لَكُمْ» در چه صورتی و کی خداوند ما را یاری می‌کند؟ در آیه دیگر فرموده: «... إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» (محمد: ۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند.

۲- براساس رابطه جانشینی در پاسخ سؤال دوم، دلالت اول در مراد از «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ» یاری پیامبر و دین خدا با جهاد در راه خداوند است.

۳- همچنین، برطبق روایت دریافت شده که دلالت دیگر یاری‌رساندن بنده به خداوند، از طریق عبودیت و بندگی است.

۴- براساس رابطه جانشینی با آیه قبل، رابطه خاصی بین توکل و نصرت الهی دیده می‌شود:

«فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ → إِنْ اللَّهُ يُحِبِّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران: ۱۵۹)

«إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَ غَالِبٌ لَكُمْ → وَعَلَى اللَّهِ فَلَئِنَّ الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۶۰)

از مجموع مفاهیم دو آیه می‌توان نتیجه گرفت توکل به خداوند با نصرت الهی رابطه مستقیم دارد. به عبارت دیگر، در زمان یاری‌رساندن خداوند به بنده‌اش، در هنگام توکل بنده بر خداوند است که موجب جلب یاری مطلق الهی است؛ یاری‌ای که به دنبال آن هیچ‌چیز موجب مغلوب‌شدن شخص متوکل نمی‌شود.

۲-۴- تشکیل مربع نشانه‌شناسی از طریق سیاق سوره

از آنجا که در درون تمام آیات قرآن روابط تقابلی موجود نیست، امکان تشکیل مربع نشانه‌شناختی در معنایابی درون آیه‌ای تمام آیات امکان‌پذیر نیست؛ اما در بسیاری از موارد می‌توان برای یافتن روابط تقابلی تکمیل‌کننده نشانه‌ها به دنبال مؤلفه‌های تکمیلی در سیاق سوره بود. در این صورت، باید به دنبال محتواهایی

با کمک‌گرفتن از روایت به‌عنوان یکی از ابزارهای تحلیل متن قرآن، منظور از «یاری و نصرت الهی در حق بندگانش و عدم یاری و خذلان الهی» آشکار می‌شود (ر.ک به روایت امام صادق: التوحید، ۱۳۹۸ش، ص ۲۴۲؛ مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۵، ص ۱۹۹).

پاسخ سؤال دوم:

۱- استفاده از روابط جانشینی با آیات دیگر که در آنها تعبیر یاری‌کردن خداوند آمده است، مشاهده می‌شود که یاری‌کردن خداوند با یاری‌کردن پیامبر خدا رابطه همنشینی دارد: «قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ» (آل عمران: ۵۲) گفت: کیست که با من خدا را یاری کند؟ حواریون (شاگردان خاص او) گفتند: ما یاری‌کنندگان خداییم.

۲- استفاده از سیاق: با توجه به اینکه سیاق آیات قبل تشویق مؤمنین به جنگ و جهاد در راه خدا است، منظور از نصرت دادن به خدا معادل همان جهاد در راه خدا است؛ زیرا جهاد تنها به‌منظور تأیید دین او و اعتلای کلمه حق است (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ج ۱۸، ص ۳۴۷).

۳- استفاده از روایت: پیامبر اکرم (ص) در تفسیر این آیه فرمودند: «بدن‌ها را در راه (عبادت و بندگی و جهاد با دشمنان دین) به کار برید تا از عذاب همیشگی برهید و در بهشت جاوید به سر برید» (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۴ش، ص ۲۶۶).

پاسخ سؤال سوم:

۱- استفاده از روایت: بنا به سخن امیرمؤمنان علی (ع)، یاری‌خواستن خدا از باب امتحان بندگان است (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۴ش، ص ۲۶۷).

۲- تفسیر استدلالی: با توجه به اینکه قدرت خداوند بی‌پایان است و قدرت مخلوقات در برابر او بسیار ناچیز، در آیه تعبیر به یاری‌کردن خداوند شده است تا اهمیت مسئله جهاد و دفاع از آئین حق را روشن سازد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷ش، ج ۳، ص ۱۸۷).

پاسخ سؤال چهارم:

پایینی مربع، مناسب یافت می‌شوند و آنها آیاتی هستند که خصوصیات معرف این دو دسته را ارائه می‌دهند. چنانکه گویا مضمونی که این آیه شریفه دارد، به منزله نتیجه‌ای است که از آیات قبل در سوره گرفته می‌شود. در سوره به مخالفت و دشمنی یهودیان بنی‌نضیر و عهدشکنی آنان، همچنین نقش منافقین در تحریک ایشان نسبت به مخالفت با پیامبر(ص) اشاره و نتیجه گرفته می‌شود که همین اعمالشان آنان را به خسران در دنیا و آخرت می‌افکند (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ج ۱۹، ص ۳۷۵).

درحقیقت سبب اصلی اتفاقی که برای اصحاب نار می‌افتد، در آیه قبل مشاهده می‌شود و در ضمن آن به مؤمنان، یعنی اصحاب جنت، هم گفته می‌شود مانند آن کفار و منافقین نباشید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (حشر: ۱۹). در طرف مقابل این گروه نیز در دو آیه قبل‌تر، به اوصافی اشاره می‌شود که به رستگاری و اهل بهشت شدن منجر می‌شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُنْتُمْ نَفْسًا مَّا قَدَّمْتُمْ لِغَدٍ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (حشر: ۱۸). در این آیه، اشاره می‌شود به همان صفتی که اهل نار به دلیل فراموش کردن خدا از آن غافل مانده بودند؛ یعنی تقوا و مراقبت نفس بر اعمال خویش. اکنون می‌توان با یافتن صفات دو گروه متقابل مربع نشانه‌شناسی را تشکیل داد.

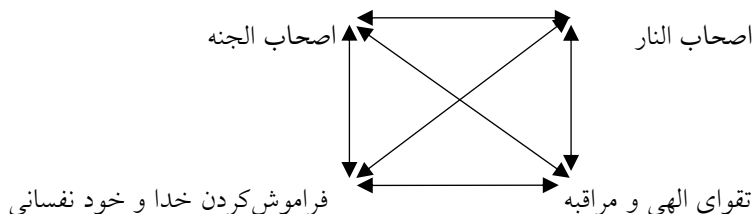
در آیات قبل یا بعد بود تا بتوان در تقابل معنایی با مؤلفه‌های آیه مدنظر قرار داد. فهرست کردن آیاتی از سوره که مفاهیم و توضیحات بیشتری درباره عبارات متقابل مدنظر ارائه می‌دهند، بسیار کارآمد است. همچنین، با استنتاج متن و تفحص برای یافتن پاسخ‌ها، دستیابی به عبارات متقابل برای قراردادن در دو رأس پایینی مربع فراهم می‌شود.

مثال:

«لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۗ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ» (حشر: ۲۰)

در این آیه تقابل دو دسته اصحاب نار و اصحاب جنت مشاهده می‌شود و تأکید می‌شود این دو دسته در دو جبهه مخالف هم قرار دارند و گویا سرانجام کارشان از همین دنیا و از نامشان مشهود است و تأکید مضاعفی نیز صورت می‌گیرد، مبنی بر اینکه فقط اصحاب جنت رستگار خواهند بود. وجود دو عبارت متضاد در آیه تنها می‌تواند تشکیل دهنده یک رابطه تقابلی ساده باشد که رابطه دو رأس بالایی مربع است؛ اما برای ایجاد مربع نشانه‌شناختی در محتوای درون آیه عبارات متقابلی وجود ندارد؛ بنابراین، باید برای یافتن مؤلفه‌های متناظر با این دو عبارت در سیاق سوره به جستجو پرداخت. بدیهی‌ترین سؤال این است که اصحاب نار و اصحاب جنت چه کسانی هستند و چرا این دو دسته با هم برابر نیستند. با تأمل در آیات قبلی، پاسخ‌هایی با مؤلفه‌های متقابل، برای قرارگرفتن در رؤس

مربع نشانه‌شناسی آیه:



۱- استفاده از سیاق: مصداق اصحاب النار در این آیه

براساس سیاق یهودیان عهدشکن بنی‌نضیر و منافقین هستند. ویژگی‌های آنها کفر، عهدشکنی، عدم اطاعت از پیامبر خدا و مخالفت و مبارزه با پیامبر خداست. این اعمال نشانه فراموش کردن خداست. درمقابل خدا هم موجب می‌شود که آنها خودشان را یا به عبارتی خیر خودشان را و آنچه مایه صلاح دنیا و آخرتشان بود، برنگزینند و خود را به هلاکت آتش بیفکنند (همان، ص ۳۷۸).

۲- تفسیر استدلالی: «فاء» نتیجه در «فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ» نشان می‌دهد علت فراموش کردن خویش، فراموش کردن خداست و چون چنین است، آیه شریفه نهی از فراموشی خویش را به نهی از فراموش کردن خدا مبدل کرد، چون انقطاع مسبب به سبب انقطاع سبب، بلیغ‌تر و مؤکدتر است (همان).

۳- تفسیر براساس روایت: امام رضا(ع) در تفسیر این آیه فرمودند: خداوند کسی را که او را فراموش کرده و دیدن روز خود را فراموش کرده است، سزا می‌دهد و نفس‌های ایشان را از یاد ایشان می‌برد؛ همان‌طور که فرموده است: امروز هم ما آنها را فراموش می‌کنیم، همان‌گونه که لقاء چنین روزی را فراموش کردند (اعراف: ۵۱). (التوحید، ۱۳۹۴ش، ص ۱۵۹؛ مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۴، ص ۶۳).

۴- براساس رابطه جانیشینی بین دو آیه ذیل: (حشر: ۱۹) و (اعراف: ۵۱)

روابط تقابلی موجود:

رابطه اول. تقابل تضادی: انسان‌ها دو دسته هستند، اصحاب الجنة و اصحاب النار.

رابطه دوم. تقابل نقیضین: فراموش کردن خدا و خود در برابر تقوای الهی و مراقبت نفسانی.

رابطه سوم. بردار قطری: اصحاب جنت، اهل تقوای الهی و مراقبت نفسانی هستند.

رابطه چهارم. بردار قطری: اصحاب نار هم خدا را فراموش کردند و هم خود را.

رابطه پنجم. رابطه تکمیلی: مؤلفه مثبت با نقیض منفی: (نه) به فراموش کردن خدا و (نه) به خودفراموشی موجب قرارگرفتن در زمره اهل جنت می‌شود.

رابطه ششم. رابطه تکمیلی: عدم تقوای الهی و عدم مراقبت نفسانی موجب قرارگرفتن در سلک اهل جهنم می‌شود.

بدین ترتیب مربع نشانه‌شناختی در اینجا هم روابط تقابلی را آشکار می‌کند و از سیاق آیات دلیل قرارگرفتن اصحاب جنت و اصحاب نار به صورت دو عبارت قابل احصا در مربع جای می‌گیرد.

روشن است که براساس الگوی مربع نشانه‌شناختی، همچنان سؤالاتی تفسیری در آیه وجود دارد که بی‌پاسخ مانده‌اند که لازم است از سایر ظرفیت‌های متنی برای پاسخ به آنها بهره برد؛ از جمله:

۱. خدا فراموشی و خود فراموشی که خصوصیت اهل نار است، چیست؟

۲. تقوا که خصوصیت اهل جنت است، چیست؟

۳. مراقبت از اعمال به چه معناست؟

پاسخ سؤال اول:

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ

فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ

الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا

فَأَلْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا

- یکی از معانی مهم تقوا حاکی از نوعی حالت قلبی و ملکه نفسانی است که حصول به آن منوط به تبعیت از اوامر و نواهی خداوند و مداومت بر آن است. تعبیر «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» یا «لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» در پایان آیاتی که احکام و حدود الهی را بیان می‌کنند، بر این معنا دلالت دارد (ر.ک. بقره: ۱۸۷؛ انعام: ۱۵۳).

۱- تفسیر براساس روایات: پیامبر در تفسیر این آیه، معنای خاصی از تقوا را رونمایی می‌فرماید. تقوا را اطاعت از خودشان و پذیرش ولایت امیرالمؤمنین (ع) معنا فرموده‌اند: (ر.ک. طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۶۳؛ مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۳۷، ص ۲۰۸).

۳-۴- تشکیل مریخ نشانه‌شناختی از طریق جستجو در کل قرآن

همان‌طور که بیان شد روابط تقابلی در تمام آیات قرآن موجود نیست و باید با استفاده از سیاق سوره‌ای که آیه در آن قرار دارد، ارتباطات معنایی متقابل که نشان‌دهنده معنای بیشتر باشند، جستجو شوند؛ زیرا دنبال کردن وحدت موضوعی در کل هر سوره یا وحدت بخش‌های مرتبط با هم در سوره، به کشف لایه‌های معنایی بیشتر منجر می‌شود؛ با این حال، هنوز هم ممکن است با توجه به وحدت موضوعی کل قرآن، بتوان به لایه‌های بیشتری از معنا خارج از محتوای یک سوره دست یافت؛ یعنی زمانی که مؤلفه‌های متقابل در آیه یا سیاق سوره‌ای که آیه مدنظر ما در آنجا قرار دارد، یافت نشود، عبارات متقابل یا متناظر معنایی بیشتر در کل قرآن جستجو می‌شوند. گفتنی است به این عملکرد در معنایابی آیات متشابه نیاز است؛ زیرا از غموض و پیچیدگی معنایی بیشتری برخوردارند و لازم است برای برطرف‌شدن شبهه معنایی آنها از جهت‌یابی متقابل معنایی در آیات دیگر قرآن و از سوره‌های دیگر آن استفاده شود. اما همان‌طور که درباره معنایابی از طریق

این نتیجه از دو طرف رابطه به دست می‌آید که فراموش کردن خدا یعنی اتخاذ دین به‌عنوان بازیچه و سرگرمی و انکار آیات خداوند. همچنین، خودفراموشی یعنی فراموش کردن روز سرانجام خود در آخرت.

پاسخ سؤال دوم:

حال باید دید خصوصیات اصحاب جنت چیست که موجب اتصافشان به این نام و رستگاری‌شان شده است.

۱- تفسیر استدلالی: با تدبیر در آیه مشخص می‌شود آیه، تقوا و مراقبت بر اعمال را دلیل رستگاری اصحاب جنت معرفی می‌کند (ر.ک. طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ج ۱۹، ص ۳۷۵).

۲- روابط همنشینی و جاننشینی در آیات دیگر و هم‌زمان استفاده از تفسیر استدلالی: تقوا مهم‌ترین ویژگی اصحاب جنت است. از منظر قرآن، فقط اعمال متقیان پذیرفته است و به کاری که بنیان آن براساس تقوا نباشد، اعتنایی نمی‌شود: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (مائده: ۲۷).

- قرآن همچنین از تقوا به‌عنوان بهترین توشه یاد می‌کند: «تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ» (بقره: ۱۹۷). همچنین، در آیه‌ای دیگر ملاک ارزش انسان‌ها نزد خدا درجه تقوای آنها معرفی شده است: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ إِنْ اللَّهُ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات: ۱۳). معنای دیگر تقوا در قرآن (ذیل مائده: ۲) و (ذیل حج: ۱، ۷، ۱۱۳) شامل: ترس و خشیت از قهر و عذاب خداوند است (ر.ک. طبرسی، ۱۳۸۴ش، ج ۳، ص ۲۴۰).

- رعایت اوامر و نواهی خداوند (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ج ۵، ص ۱۶۳) یا عمل به طاعت و ترک گناه (طبرسی، ۱۳۸۴ش، ج ۱، ص ۱۱۸ و ج ۲، ص ۸۲۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ج ۱۹، ص ۲۱۸).

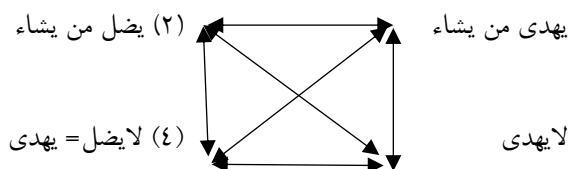
«یضِلُّ مِنْ يِشَاءٍ» و «يَهْدِي مِنْ يِشَاءٍ» در این آیه دو سر طیف متضاد سلب و ایجاب هستند؛ ولی برای این دو عبارت پاسخ متقابلی نه در خود آیه و نه در سوره وجود ندارد. با استنتاج متن قرآن برای یافتن پاسخ این سؤال که آیا این خواست الهی در هدایت و اضلال بندگان، نظام‌مند است یا خیر و اگر پاسخ مثبت است دامنه «من یشاء» در هدایت و اضلال الهی شامل چه گروه‌هایی است، دریافت می‌شود که در برابر این دو عبارت پاسخ‌های زیادی وجود دارد که می‌توان از آنها در تقابل این دو عبارت بهره جست و در نتیجه، سطح دلالت‌یابی را توسعه داد.

روابط جانیشینی و همنشینی نیز ذکر شد، مراقبت بر این امر که نشانه معناها از نظر مفهوم‌شناسی هم‌راستا باشند و صرفاً بر وجود مشترک لفظی دلالت نداشته باشند، بسیار حائز اهمیت است. به عبارت دیگر، برای یافتن روابط تقابلی درون سیاق سوره یا کل قرآن، علاوه بر وجود اشتراک لفظی، وجود پیوند معنایی مشترک بین عبارات برای نزدیک‌شدن به مراد حقیقی نص الزامی است.

مثال:

«يُضِلُّ مَنْ يِشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يِشَاءُ» (نحل: ۹۳)

مربع نشانه‌شناختی آیه:



يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ (مائده: ۱۶)
 يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنْابَ (رعد: ۲۷)
 يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ (شوری: ۱۳)
 وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ (تغابن: ۱۱)
 يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ (يونس: ۹)

وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (بقره: ۲۵۸)
 وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (بقره: ۲۶۴)
 وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (مائده: ۱۰۸)
 إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ (غافر: ۲۸)
 إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ (زمر: ۳)

می‌گیرد و «یضِلُّ» واژه سلبی است و در برابر آن واژه نه سلب، به صورت «لا یضِلُّ» در رأس دیگر قرار می‌گیرد. عبارت «لا یهدی» در آیه ۱۰۷ همین سوره موجود است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»؛ ولی عبارتی که متعین «لا یضِلُّ» یا «یهدی» باشد، در سوره موجود نیست.

روابط تقابلی موجود:

رابطه اول: رابطه متضاد بین (۱) و (۲) است و بین «یضِلُّ» و «یهدی» در دو رأس بالایی مربع ایجاد می‌شود.
 رابطه دوم: رابطه بین نقیض متضاد بین (۳) و (۴) است که با عبارات سلب متضاد بین «لا یهدی» و «لا یضِلُّ» در دو رأس پایینی مربع قرار می‌گیرند. «یهدی» یک واژه ایجابی است که سلب آن یا نقیض آن، به صورت «لا یهدی» در رأس پایینی مربع قرار

ضدین لائالت قرار دارند؛ یعنی وجه سومی نمی‌توان غیر از آن دو در نظر گرفت؛ بنابراین، وقتی خداوند می‌فرماید: «لایضل» گمراه نمی‌کند، پس نخست، شخص باید قطعاً هدایت شده باشد؛ زیرا خداوند گمراه نمی‌کند کسی را که هدایت شده باشد و اگر قرار باشد او را گمراه کند، این سؤال مطرح می‌شود که آیا خداوند کسی را که هدایت شده است، از هدایتش بر می‌گرداند و گمراهش می‌کند. پاسخ قطعاً منفی است و نقض غرض الهی بر هدایت است؛ اما اگر خودش گمراه شده باشد، مجدداً معنا نمی‌دهد که گفته شود: خداوند او را گمراه نمی‌کند. چون خودش گمراه شده هست. پس وقتی گفته می‌شود خداوند گمراه نمی‌کند، یعنی آن فرد حتماً هدایت شده است و این گمراه‌نکردن یعنی بقا و ابقاء بر هدایت؛ بنابراین، «لایضل» معنای ملازم دارد با «یهدی» و هدایت‌کردن یا بر طریق هدایت نگه داشتن. پس تقابل «لایضل» و «یهدی» از نوع استلزامات معنایی است که در مربع معناشناسی قابل جایگزینی و تحلیل است. در این صورت برای دو عبارت «لایهدی» و «لایضل» دلالت‌یابی بسیار وسیعی در سطح قرآن انجام‌پذیر است.

در تفسیر هر یک از آیات مدنظری که از ابتدا در دو رأس بالایی مربع واقع شده‌اند، همچنان سؤالات متعددی برای گشودن معناها بیشتر وجود دارد؛ مانند اینکه اصل هدایت چیست. ضلالت به چه معناست. چرا خداوند آن‌طور که خودش اراده می‌کند در هدایت و اضلال دخالت می‌کند. اراده الهی چگونه در هدایت و اضلال انسان‌ها تأثیرگذار است و...؛ اما این سؤالات از طریق مربع نشانه‌شناسی قابل پیگیری و پاسخ نیست و برای کشف پاسخ این سؤالات مجدداً نیازمند تفاسیر استدلالی، روایی، تفسیر براساس سیاق و همچنین، روابط جانیشینی و همنشینی است.

رابطه سوم و چهارم: ارتباط مستقیم بین روس قطرهای مورب مربع است. (۱) و (۴) این معنا را تداعی می‌کنند که کسی را که خداوند هدایت کند، گمراه نمی‌شود.

همچنین، بین (۲) و (۳) کسی را که خداوند گمراه کند، دیگر هدایت نمی‌شود.

رابطه پنجم و ششم: شامل روابط تکمیلی اضلاع عمودی مربع است که بین مؤلفه مثبت و نقیض منفی ایجاد می‌شود: (۱) و نه (۳) و همچنین (۲) و نه (۴)

- کسی را که خداوند هدایت می‌کند، این‌طور نیست که هدایت نشود؛ یعنی حتماً هدایت می‌شود.

- کسی را که خداوند گمراه می‌کند، این‌طور نیست که گمراه نشود؛ یعنی حتماً گمراه می‌شود.

نکته: رفع ابهام کاربرد عبارات متناظر به جای متقابل

تردید نیست که در آیه مورد بحث (نحل: ۹۳) «یهدی» به معنای هدایت‌کردن قطعاً متقابل با «یضل» به معنای گمراه‌کردن است؛ ولی اینکه آیا «لایضل» متقابل با «لایهدی» است که در رأس متقابل پایینی مربع قرار می‌گیرد، نیازمند تبیین است:

سؤال این است با توجه به اینکه «لایضل» به معنای گمراه‌نکردن است، آیا گمراه‌نکردن دقیقاً متقابل با «یهدی» به معنای هدایت‌کردن است تا «لایهدی» به عنوان تقابل تناقضی با آن در رأس دیگر مربع قرار داده شود. در بیان پاسخ باید متذکر شد در مربع معنایی، مقوله فهم را عباراتی از نوع استلزامات و تقابل‌های معنایی تشکیل می‌دهند. «لایضل» و «یهدی» به معنای انجام‌ندادن کاری در مقابل انجام‌دادن کاری است. هرچند این دو مفهوم در مقوله معنایی صد در صد مشترک نیستند، با هم ملازمه دارند؛ به این بیان که هر شخص از یکی از این دو حالت خارج نیست. امکان ندارد که هم‌زمان نه گمراه باشد و نه هدایت‌شده، حتماً یا هدایت‌شده است یا اگر هدایت نشده، پس گمراه است. هدایت و گمراهی اصطلاحاً جزو اجتماع

۴-۴- تشکیل مربع نشانه‌شناختی هم‌زمان با روابط درون آیه و سیاق درون سوره و سیاق کل قرآن

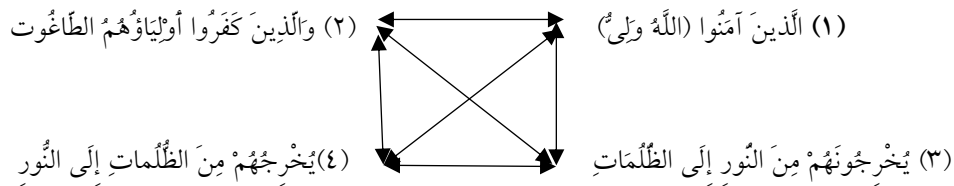
تا این مرحله برای معنایی بیشتر از روابط تقابلی درون آیات یا سیاق سوره و در صورت عدم پوشش سیاق سوره از سیاق کل قرآن بهره گرفته شد؛ اما به نظر می‌رسد کاربست مربع معنایی صرفاً به یافتن روابط تقابلی موجود درون آیه یا سوره محدود نمی‌شود؛ بلکه چنانچه در یک آیه یا یک سوره روابط تقابلی وجود داشته باشد که امکان تشکیل مربع معنایی را به ما بدهند، می‌توان مربع معنایی را هم‌زمان از طریق محتوای کل قرآن و با یافتن مؤلفه‌های بیشتر برای تولید معنای گسترده‌تر تشکیل داد. بدین ترتیب، یک شبکه معنایی وسیع برای فهم بیشتر معنا ایجاد شده است. کارکرد دیگر این روش در تفسیر موضوعی

قرآن است که نیازمند تشکیل شبکه معنایی مؤلفه‌های مدنظر خود در کل قرآن است.

مثال:

«اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ
وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى
الظُّلُمَاتِ (بقره: ۲۵۷)

در این آیه تقابل دو دسته اهل ایمان و اهل کفر مشاهده می‌شود که در ازای ایمان یا کفرشان به پاداش یا جزای متناسب با عملکرد خود مواجه می‌شوند؛ بنابراین، تشکیل مربع معنایی از طریق عبارات درون خود آیه امکان‌پذیر است:



روابط تقابلی موجود:

رابطه اول: رابطه متضاد بین (۱) و (۲) است و بین «الذین آمنوا» و «الذین کفروا» که در دو رأس بالای مربع ایجاد می‌شود.

رابطه دوم: رابطه بین دو رأس (۳) و (۴) است. پاداش‌های دوگانه و در تضاد اهل ایمان و کفر را نشان می‌دهد.

رابطه سوم و چهارم: ارتباط مستقیم بین رأس قطرهای مورب مربع است. (۱) و (۴) همچنین، بین (۲) و (۳). خداوند اهل ایمان را از تاریکی (گمراهی) به سوی نور (هدایت) سوق می‌دهد؛ ولی اهل کفر را از نور (هدایت) به سوی تاریکی (گمراهی) رها می‌کند.

رابطه پنجم و ششم: شامل روابط تکمیلی اضلاع عمودی مربع است که بین مؤلفه مثبت و نقیض منفی ایجاد می‌شود: (۱) و نه (۳) و همچنین، (۲) و نه (۴).

- کسانی که ایمان آورده‌اند، نه چنین است که از نور به سوی ظلمت رها شوند.

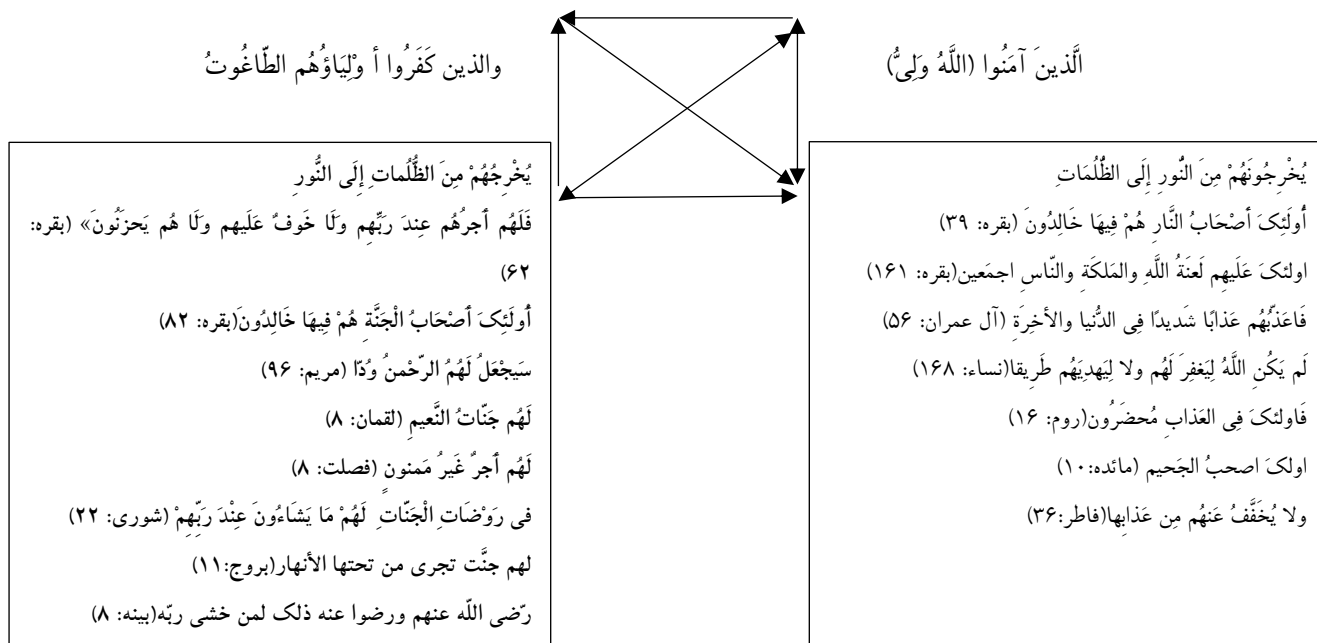
- و کسانی که کفر ورزیدند، نه چنین است که از ظلمات (خودساخته‌شان) به سوی نور آورده شوند.

اکنون با وجود تشکیل مربع معناشناختی آیه، می‌توان از روابط تقابلی درون سیاق نیز سود جست و معناهای جدیدتری برای معنایی بیشتر نسبت به مؤلفه‌های مربع اتخاذ کرد.

سپس، هم‌زمان یک گام فراتر نهاده و عبارات تقابلی مؤلفه‌های مربع در کل قرآن نیز جستجو شد. یافته‌های موجود در جهت ایجاد شبکه معنایی از سیاق خود سوره و

مواردی به صورت گزینشی انتخاب شده است. بدین ترتیب، گستره‌ای از مفاهیم در جهت فهم عمیق‌تر و معنایابی وسیع‌تر در دستیابی به مراد آیه وجود دارد.

سیاق کل قرآن در مربع زیر نشان داده شده است. توجه به این نکته حائز اهمیت است که به دلیل گستردگی مفاهیم موجود متقابل با عبارات آیه مدنظر در کل قرآن، تنها



موجود در آیه، نه در همان آیه موجود است و نه از طریق سیاق همان سوره قابل دستیابی است، جستجوی این پاسخ‌های تقابلی در کل قرآن ضرورت می‌یابد. در مرحله بعد این نتیجه حاصل شد که می‌توان برای دستیابی به یک شبکه معنایی گسترده‌تر از طریق مربع نشانه‌شناسی از روابط تقابلی درون آیه، سیاق سوره و سیاق کل قرآن به‌طور هم‌زمان استفاده کرد. در این نوع موارد، دستاوردهای تفسیری بیشتر و توسعه تحلیلی و معنایی گسترده‌تری به دست خواهد آمد.

درنهایت، از بررسی نحوه عملکرد این مربع در تفسیر قرآن این نتیجه حاصل شد که باوجود انفکاک و تحلیل روابط تقابلی در رؤس مربع نشانه‌شناختی و آشکارشدن وجوه معنایی در عبارات دوگانه متقابل، با استفاده از خود آیه، سیاق سوره و سیاق کل قرآن، همچنان سؤالات تفسیری درخور توجهی در جهت کشف مراد متن باقی

نتایج

یکی از گویاهای تحلیل متن در نشانه - معناشناسی ساخت‌گرا برای کشف لایه‌های عمقی معنا، مربع نشانه‌شناسی گریماس است. این مربع پدیدآورنده سه رابطه تقابلی تضادی، تقابلی تناقضی و تقابلی تکمیلی است که روابط تقابلی واژگان را از سه وجه آشکار می‌کند.

در مسیر شکل‌گیری مربع نشانه‌شناختی در تحلیل نص مشاهده شد در برخی آیات مانند آیه ۱۶۰ آل عمران، به دلیل اینکه وجود عبارات‌های تقابلی و پاسخ تقابلی آنها در یک آیه موجود است، امکان تشکیل این مربع از طریق اطلاعات خود آیه امکان‌پذیر است؛ ولی در برخی موارد عبارات‌های تقابلی و پاسخ‌های تقابلی آنها در یک آیه موجود نیست؛ از این رو، باید پاسخ‌های مرتبط با تقابلی‌های آیه از طریق سیاق موجود در سوره به دست آید. همچنین، در مواردی که پاسخ‌های تقابلی برای عبارات‌های تقابلی

می‌ماند که قابلیت پاسخ‌گویی به آنها صرفاً از طریق مربع نشانه‌شناختی وجود ندارد و استفاده از ابزار تحلیلی دیگر از جمله استدلالات عقلی، سیاق، روایات و روابط جانشینی یا همنشینی با آیات دیگر برای دلالت‌یابی و فهم عمیق‌تر معنای آیات ضروری است.

کتابنامه

قرآن مجید. مترجم: محمدمهدی فولادوند.
 آسابرگر، آرتور. (۱۳۸۷ش). روش‌های تحلیل رسانه‌ها.
 مترجم پرویز اجلالی. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
 ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۸ق). التوحید. محقق: هاشم حسینی. قم: جامعه مدرسین.
 اسکولز، رابرتز. ۱۳۸۳ش. درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات. مترجم: فرزانه طاهری. تهران: آگه.
 برتنس، هانس. (۱۳۸۷ش). مبانی نظریه ادبی. مترجم: محمد رضا ابوالقاسمی. تهران: نشر ماهی.
 پاکتچی، احمد. (۱۳۸۷ش). آشنایی با مکاتب معناشناسی معاصر. *نامه پژوهش فرهنگی*. ۹ (۳). ۸۹-۱۱۹.
 تادیه، ژان ایو. (۱۳۷۸ش). نقد ادبی در قرن بیستم. مترجم: مهشید نونهالی. تهران: نیلوفر.
 چندلر، دانیل. (۱۳۸۷ش). مبانی نشانه‌شناسی. مترجم: مهدی پارسا زیر نظر فرزانه سجودی. تهران: سوره مهر.
 دینه سن، آنه ماری. (۱۳۸۰ش). درآمدی بر نشانه‌شناسی. مترجم: مظفر قهرمان، تهران: پرسش.
 سجودی، فرزانه. (۱۳۸۳ش). نشانه‌شناسی کاربردی. تهران: نشر قصه.
 سید رضی، محمد بن حسین بن موسی. (۱۳۹۴ش). *نهج البلاغه*. مترجم: محمد دشتی. تهران: انتشارات پیام مهدی.
 شعیری، حمیدرضا و وفایی، ترانه. (۱۳۸۸ش). راهی به نشانه‌شناسی سیال. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

شعیری، حمیدرضا. (۱۳۹۰ش). مبانی معناشناسی نوین. تهران: انتشارات سمت.
 طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۹۰ش). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
 طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۸۴ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
 طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۴ق). *الأمالی*. مصحح: مؤسسه البعثه، قم: دار الثقافة.
 عمارتی مقدم، داود. (۱۳۹۸ش). *سرگشتگی نشانه‌ها*. نگاهی به نشانه‌شناسی ادبیات: نظریه و روش تحلیل گفتمان ادبی. *پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی*. ۱۹ (۳). ۶۷-۱۵۳-۱۷۹.
 فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۸ش). *شاهنامه*. تهران: کتاب‌سرای نیک.
 قائمی‌نیا، علیرضا. (۱۳۹۳ش). *بیولوژی نص*. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 کالر، جانانان. (۱۳۸۸ش). *بوطبقای ساختگرا*. مترجم: کورش صفوی. تهران: مینوی خرد.
 مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). *بحارالانوار فی درر الأخبار*. بیروت: دارالکتب الاسلامیه.
 معین، مرتضی بابک. (۱۳۹۶ش). *ابعاد گمشده معنا در نشانه‌شناسی روایی کلاسیک*. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
 مکارم‌شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۸۷ش). *برگزیده تفسیر نمونه*. تنظیم: احمد علی بابایی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 وحشی بافقی، کمال‌الدین محمد. (۱۳۹۳ش). *دیوان وحشی بافقی*. مصحح: عزیزالله عزیززاده. تهران: فردوس.

Bibliography

The Holy Quran. Translated by Mohammad Mahdi Fouladvand.
 Asaberger, Arthur. (2008). *Media analysis methods*. Translated by Parviz Ijlali. Tehran: Office of Media Studies and Development.

- semiotics. Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Paid, Jean Yves. (1999). *Literary criticism in the 20th century*. Translated by Mahshid Nonahali. Tehran: Nilofar.
- Pakatchi, Ahmed. (2008). *Acquaintance with contemporary schools of semantics*. *Name of cultural research*. 9 (3). 89-119.
- Scholes, Roberts. (2004). *An introduction to structuralism in literature*. Translated by Farzaneh Taheri. Tehran: Agah.
- Seyed Razi, Muhammad bin Hossein bin Musa. (2015). *Nahj al-Balagha*. Translated by Mohammad Dashti. Tehran: Payam Mehdi Press.
- Sha'iri, Hamidreza and Vafai, Tarane. (2009). *A way to fluid semiotics*. Tehran: Scientific and Cultural Press.
- Sha'iri, Hamidreza. (2011). *Basics of modern semantics*. Tehran: Samt Press.
- Sojoudi, Farzan. (2004). *Applied semiotics*. Tehran: Qessa press.
- Tabarsi, Fazl bin Hasan. (2005). *Majma' Al-Bayan fi Tafsir al-Quran*. Tehran: Nasser Khosro.
- Tabatabaei, Mohammad Hossein. (2011). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Community of Modaresin Publications.
- Tusi, Muhammad bin Al-Hassan. (1414 AH). *Al-Amali*. Edited by Est. Al-Be'tha, Qom: Dar al-Thaqafah.
- Vahshi Bafghi, Kamaluddin Mohammad. (2014). *Bafghi's Diwan poetry*. Edited by Azizullah Alizadeh. Tehran: Ferdous.
- Bertens, Hans. (2008). *Basics of literary theory*. Translated by Mohammad Reza Abul Qasimi. Tehran: Mahi.
- Caller, Jonathan. (2009). *Constructive boutique*. Translated by Koresh Safavi. Tehran: Minouy Kherad.
- Chandler, Daniel. (2008). *Basics of semiotics*. Translated by Mehdi Parsa under the supervision of Farzan Sojodi. Tehran: Surah Mehr.
- Dinah Sen, Anne Marie. (2001). *An introduction to semiotics*. Translated by Mozafar Kahreman. Tehran: Question.
- Ferdowsi, Abulqasem. (2009). *Shah nameh*. Tehran: Ketabsarainik.
- Ghaeminiya, Alireza. (2014). *Text biology*. Tehran: Publications of the Islamic Culture and Thought Research Institute.
- Ibn Babawiyah, Muhammad bin Ali. (1398 AH). *Al-Tawhid*. Investigated by Hashim Hosseini. Qom: Jami' Modarresin.
- Imarati Moghaddam, Dawoud. (2019). *Confusion of signs. A look at the semantic sign of literature: the theory and method of literary discourse analysis*. *Critical research paper on humanities texts and programs*. 19 (3). 67. 153-179.
- Majlesi, Mohammad Bagher. (1403 AH). *Bihar al-Anwar*. Beirut: Dar al-Kutub al-Islamiya.
- Makaram shirazi, Nasser and colleagues. (2008). *Selected sample interpretation*. Arranged by Ahmad Ali Babaei. Tehran: Darul Kutub al-Islamiya.
- Moin, Morteza Babak. (2017). *The missing dimensions of meaning in classical narrative*